

سال دوم

جلسه ۱۰۳

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۱ / ۲ / ۲۵ دوشنبه

# بحث سوم:



اسماء اشاره، موصولات و ضمائر

۱

**حضرت امام :**

وضع شده اند : برای ایجاد اشاره به مثلا مفرد مذکر غایب

۲

**آخوند :** متعرض بحث نشده است.

۳

**مرحوم خویی :**

وضع شده اند : برای «قصد تفهیم معنایشان مقررناً بالاشاره»

۴

**مرحوم اصفهانی :** متعرض بحث نشده است.

۱. ضمائر غایب



نظریه مرحوم عراقی = نظریه «معانی مبهم»

## مرحوم عراقی

## وضع ضمایر برای «معانی مبهم»

۱

**قول اول :**

«وضع عام ؛ موضوع له خاص» است + موضوع له، «مصادیق معنی» است.

۲

**قول دوم :**

«وضع عام ؛ موضوع له عام» است + موضوع له «معنای عام» است به قید «غایب بودن»

۳

**قول سوم :**

وضع عام ؛ موضوع له عام» است، + شرط واضع به استعمال «هو» در حال «غیبت»

اما

**اما هر سه قول باطل است**

ضمایر وضع شده اند برای «معانی مبهم» در حال اقتران به غیبت یا خطاب یا تکلم.

یک نکته + یک سؤال

ما می گوئیم

**نکته :**

مرحوم عراقی، «وضع عام؛ موضوع له خاص» را ممتنع می دانستند

**سوال :**

مراد مرحوم عراقی «ابهام معنی» چیست؟

مرحوم عراقی

توضیح مرحوم عراقی درباره قید «ابهام معنی»

۱

اشتراک اسماء اشاره، ضمائر و موصولات در : «ابهام در معنی»

۲

نحوه انطباق «معانی مبهمه» بر «مصادیق» :

از باب «انطباق کلی بر فرد» نیست! بلکه از باب «انطباق بر فرد مردد» است

۱

استعداد «انطباق» بر هر موجود ذهنی و یا خارجی

۲

محتاج چیزی است که آن را از ابهام درآورد

خصوصیات معنای

مبهم منطبق بر «شبح»



مراد مرحوم عراقی از ابهام = «فرد مردد» است

یعنی این الفاظ وضع شده اند برای «مفهوم جزئی» ای که :

قابلیت صدق بر کثیرین دارد از این جهت که احتمال دارد با فرد جزئی منطبق شود

ان  
قلت

اگر «هذا» برای چنین معنای مبهمی وضع شده است پس چرا نمی توان گفت  
«هذا هند» یا «هذا زید و عمرو»؟

قلنا

عدم امکان استعمال در این موارد، ناشی از قید دوم (مقترنه) است